

اهمیت ابراز برائت از دشمن



دکتر هدایت رستگار مقدم
پژوهشگر و محقق

اصل اولیه در اسلام مبتنی بر رأفت و رحمت است، چنان که قرآن کریم وجود رحمت را برای ذات حق تبارک و تعالی، واجب و اصل معرفی کرده است، بنابراین در اسلام اصل بر رحمت است، البته درمقابل چون اهریمن نیز در عالم دنیا وجود دارد، اصل دیگر هم همچنان وجود دارد که مقابله با آن نیز جزو دستورهای دینی است و به‌عنوان اصل مبارزه و بازدارندگی به آن توجه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «با دشمنان مبارزه و مقاتله کنید تا دیگر فتنه‌ای باقی نماند و دین، تنها برای خدای تعالی خالص قرار بگیرد»(بقره/۱۹۳) و انفال/۳۹). گاهی اوقات نیز این مبارزه و مقاتله را خداوند متعال خودش انجام می‌دهد و دشمنان خدا را با دست بندگانش، عذاب و مجازات می‌کند و این عذاب در عالم دنیاست و عذاب اخروی فقط مخصوص خودش است، بدین سبب فرمود: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ... بِأَيْدِيكُمْ وَ يَخْزُهُمْ وَ يَنْصُرُكُمْ اللَّهُمَّ وَ يَشْفِ صُدُورُ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (توبه/۱۴)»، یعنی با آنان بجنگید تا خدا، آنان را به دست شما عذاب و رسوایشان کند و شما را بر آن‌ها پیروزی بخشد و دل‌های گروه مؤمنان را شاد کند، اکنون این پرسش پیش می‌آید که همه، توانایی یا امکان مبارزه با دشمن را ندارند تا بتوانند امر الهی را محقق کنند، در این صورت این گونه افراد چه باید بکنند و چگونه باید امر الهی را محقق کنند؟ بدیهی است کسانی که توانایی ندارند در یک مبارزه جنگی حاضر شوند، تکلیف الهی از دوششان برداشته شده است، چنان که خداوند در آیه شریفه سوره توبه می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَى الضُّعَافِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرْجٌ (توبه/۹۱)»، بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند[تا در راه جهاد] خرج کنند و برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کنند، هیچ گناهی نیست [و نیز] بر نیکوکاران ابرادی نیست و خداوند آمرزنده مهربان است»، پس تکلیف برای همه مشخص است و هرکه باید یک نحوه مواجهه با دشمن را برخوردار باشد، یعنی هرکه به هر شکلی که هست، باید ابراز بی‌زاری از دشمن را از خود نشان دهد. آن که می‌تواند بجنگد، باید وارد میدان کارزار شود و آن که نمی‌تواند بجنگد، باید در مسیر پیشرفت جنگ تلاش کند یا با مالش یا از طریق فعالیت‌های تبلیغی یا با ابراز‌های رسانهای کمک کند و اگر امکان هیچ‌یک از این‌ها را نداشت، باید ابراز برائت کند، زیرا امیرمؤمنان علی^(ع) فرموده‌اند: «الرَّاضِي بِفُغْلٍ قَوْمٌ كَالَّذِإِخْلَ فِيهِ مَعُهُمْ وَ عَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٌ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَإِثْمُ الرِّضَى بِهِ»[آنچه‌البلاغه، حکمت/۱۴۶]: کسی که راضی به کارکردهای قومی باشد، همانند آن است که خودش داخل در انجام کارهای همان قوم است و با آنان در همان کار شریک است و هرکه داخل در کارهای باطل قومی باشد، دو گناه بر او نوشته خواهد شد، یکی اینکه آن فعل باطل را انجام داده و دیگری آنکه راضی به انجام آن کار باطل بوده است، پس هرکه در قلب خود راضی باشد و نیت در انجام آن گروه داشته باشد، همانند همان کسی است که آن کار را خودش انجام داده است، بدین سبب گفته شده است کسانی که دوست داشتند در روز عاشورا کنار حضرت سیدالشهدا^(ع) در کربلا بودند و در رکاب من و حضرت در جبهه حق علیه باطل می‌جنگیدند، چون در قلب خودشان چنین اعتقادی راسخ شده است، پس این‌گونه افراد گویا با آن حضرت در کربلا علیه دشمنان اهل بیت^(ع)، شمشیر زده و جنگیده‌اند. امروز هم درباره مسئله رژیم صهیونیستی که مردم بی‌دفاع باریکه غزه را بی‌امان در زیر آتش بمب‌های سنگین قرار داده‌اند، اگر کسی می‌تواند کاری اساسی بکند، باید انجام دهد، والا به‌هر شکلی حتی با تبیین واقعیت‌ها که مشمول جهاد تبیین، قرار می‌گیرد، باید کاری کند و اگر کسی به هیچ عنوان نمی‌تواند کاری بکند، همین مقدار که از دشمن صهیونیستی ابراز برائت می‌کند، آن‌شاء... در جهاد شریک خواهد بود، چون خط خودش را از دشمنان خدا و بشریت، جدا ساخته و خود را در جبهه حق قرار داده است و این عمل را بدین‌سان آیه شریفه گوشرد کرده می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَ الْمُشْتَصِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَعْمَالُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِمَّا لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا(النساء/۷۵)»، و چرا شما در راه خدا و در راه نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همان کسانی که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند، بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش، یآوری برای ما تعیین فرما، آیا دنیا فریاد این مظلومان را نمی‌شنود؟ آیا آزادمردان و آزادپیشگان، فریاد یاری آنان به گوششان نرسیده است؟ پس هرکسی به هر مقدار و به هر شکلی، باید به یاری آنان بشتابد.

بردار و بخوان

تَن‌های هزارساله

مطالعه زندگی‌نامه افراد بزرگ به‌خصوص مردان و زنانی که با آثار خود به‌نسل‌های بعدی نیز خدمت کرده‌اند، بهترین سرمشق هدایت و سرمایه‌ای برای انتخاب‌های افراد به‌خصوص نسل جوان است، به‌ویژه اگر موضوع گفتار، موفقیت دانشمندان ایرانی در عرصه‌های گوناگون علمی باشد که در این صورت، اثر فراوانی دارد و مایه غرور ملی و فخر و مباهات برای هر فرد ایرانی است.

یکی از شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام و برجسته‌ترین چهره‌های درخشان علم و فسیلت‌درمیان نویسندگان، شیخ‌صدوق است. او با جمع‌آوری روایت‌های اهل‌بیت^(ع) و تألیف ده‌ها جلد کتاب نفیس و ارزشمند، به اسلام و عالم تشیع، خدمت فراوان کرده است. تألیفات فراوان و متنوع این عالم‌بزرگ اسلام در علوم و فنون مختلف اسلامی، گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر است که با وجود گذشت بیش از هزار سال از تاریخ تألیف، همچنان ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده و از جایگاهی بس رفیع و والا برخوردار است و در صدر قفسه کتابخانه‌ها و سینه فقها و دانشمندان جای گرفته است.

کتاب، تن‌های هزارساله، یا، تنهای هزارساله،، داستانی است از زندگی شیخ‌صدوق و پدرش در قرن چهارم هجری، روایت سال‌های پایانی غیبت صغری و ابتدای غیبت کبرای امام عصر^(عج). این اثر، آخرین رمان مرحوم سعید تشکری، مرد به‌یادماندنی ادبیات خراسان است که قبل از وفات، آن را به‌همراه مهدی سیم‌ریز نگاشته بود. در این اثر با نثری داستانی و روان می‌توانیم از این عالم بزرگوار بیشتر بدانیم. در کتاب، اتفاقات تاریخی با ادبیاتی داستانی، آمیخته و روایت شده است، هرچند بسیاری از موضوعاتش در بسیاری از کتب تاریخی ذکر شده است، مانند این روایت که در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، پس از بارش بارانی چندروزه و وقوع سیلابی هولناک، قبرستانی قدیمی از زیر خاک بیرون می‌آید. سردابی نیمه‌ویران در میانه قبرستان، خود را می‌نمایاند و از میان آن جنازه‌ای سالم کشف می‌شود. از کتیبه کهنه‌ای که در کنار سرداب است، هویت جنازه آشکار می‌شود. جسد متعلق به شیخ‌صدوق، صاحب یکی از کتب اربعه شیعه و از علمای بزرگ اسلام است، اما شاه که همچنان متحیر است، دستور می‌دهد راز ماجرا را

برایش کشف کنند.

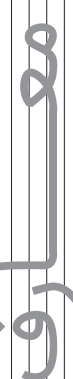
بنابراین دستور تحقیق و تفحص درباره شیخ‌صدوق را صادر می‌کند و این چنین، داستان، ما را به دل تاریخ شیعه و سال‌های پایانی غیبت صغری و سال‌های ابتدایی غیبت کبرای امام‌زمان^(عج) می‌برد.

در پی این حادثه، واقعه عجیبی نیز اتفاق می‌افتد که تفصیل آن را بسیاری در کتاب‌های خودنقل کرده‌اند. مانند سیدمحمدباقر خونساری در کتاب روضات، میرزا محمد تنکابنی در کتاب «قصص العلماء»، عبدا... مامقانی در کتاب «تنقیح المقال»، خراسانی در کتاب «منتخب‌التواریخ، شیخ‌عباس‌قمی در کتاب فوائدالرضویه، و محمدشریف رازی در کتاب «اختران فروزان ری» و همچنین در مقدمه کتب شیخ‌صدوق، از جمله کتاب «کمال‌الدین صدوق» و مقدمه کتاب «خصال صدوق».



شهرانه‌ویس
۴شنبه
۲۶ مهر ۱۳۹۲
شماره ۲۰۶۰

۱۴



استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم از ضرورت کمک به هم‌نوعان در دیگر کشورهای اسلامی می‌گوید

مواسات؛ کلید همدلی با زلزله‌زدگان افغانستان

آئمه مستقیمی این روزها علاوه‌بر اخبار تلخی که از جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین می‌شنویم، دردمند زلزله‌زدگان افغانستان و مصائبی که زلزله‌های نسبتاً شدید برای مردم شریف و مظلوم این کشور در پی داشته است. نیز هستیم؛ البته این دردمندی تنها به ابراز همدردی محدود نشده و کمک‌های مردمی نیز برای آن‌ها جمع‌آوری شده است و در حال ارسال است، کمک‌هایی که تنها جنبه مادی ندارد، بلکه از پشتوانه‌های محکم دینی نیز برخوردار است و می‌تواند رهاوردی در سطح و اندازه تحقق آرمان امت واحده برای ما به‌همراه داشته باشد. در این باره با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر یحیی جهانگیری‌سهروردی، مبلغ بین‌الملل، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و رئیس نمایندگی سازمان فرهنگ‌و ارتباطات اسلامی در قم، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه مرور می‌کنیم.



ادای حق همسایگی برای مردم مظلوم افغانستان

هم‌زبانی، هم‌کیشی و همسایگی با ملت شریف افغانستان، وظیفه ما را در رسیدگی به زلزله‌زدگان این کشور سنگین‌تر می‌کند. باید توجه کنیم که مردم مظلوم افغانستان گاه در سختی‌ها دوشادوش ما بوده‌اند، چنان‌که در جنگ تحمیلی همپای ما شهید دادند و کنار مردم ایران ایستادند. این‌ها باعث می‌شود در این کمک علاوه‌بر وظیفه شرعی، وظیفه ملی هم داشته باشیم. افزون‌بر تصریح مفاهیم دینی بر کمک به آن‌هایی که به سختی‌ها و بلایا دچار شده‌اند، خدمات ندادن حاکمیت محلی و نیز بی‌توجهی دیگر کشورها به شرایط بحرانی زلزله‌زدگان افغانستانی و کمک‌رسانی به آن‌ها، وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کند؛ چون همان‌طور که گفتیم، در اسلام، کمک به مستضعفان، مرز، نژاد و مذهب نمی‌شناسد. لذا مردم ایران اسلامی هرجا ستم‌دیده و مظلومی هست، ورود می‌کنند که وضعیت کنونی زلزله‌زدگان افغانستانی هم از مصادیق این کمک و مواسات است، به‌ویژه آنکه افغانستان همسایه ماست و همان‌طور که بیان کردیم، رسیدگی به حال همسایگان، وظیفه شرعی ما محسوب می‌شود.



حجت‌الاسلام والمسلمین سهروردی:

هم‌زبانی، هم‌کیشی و همسایگی با ملت شریف افغانستان، وظیفه ما را در رسیدگی به زلزله‌زدگان این کشور سنگین‌تر می‌کند. باید توجه کنیم که مردم مظلوم افغانستان گاه در سختی‌ها دوشادوش ما بوده‌اند، چنان‌که در جنگ تحمیلی همپای ما شهید دادند و کنار مردم ایران ایستادند. این‌ها باعث می‌شود در این کمک علاوه‌بر وظیفه شرعی، وظیفه ملی هم داشته باشیم

تحقق وحدت در کف میدان

متأسفانه ما معمولاً تحقق آرمان‌ها را در جایی دنبال می‌کنیم که زمینه، فراهم و مهیاست، برای مثال وقتی همه‌چیز خوب و آرام است، از امت واحده دم می‌زنیم، درحالی‌که امت واحده باید در هنگام مشکلات و بحران‌ها محقق شود. به‌عبارت دیگر، امت واحده باید در کف میدان و کمپ‌های کمک به زلزله‌زدگان افغانستانی محقق شود، نه صرفاً در همایش‌ها، کتاب‌ها و مقالات و کنگره‌ها.

وقتی مردم مظلوم افغانستان حمایت و همراهی مردم ایران را در کنار خود ببینند، نشانه جدی این امت واحده را درک می‌کنند. همان‌طور که گفتیم، متأسفانه ما معمولاً در کنفرانس‌ها و مقالات در پی تحقق امت واحده هستیم، درحالی‌که این کار به ساحت عمل نیاز دارد، زلزله و امثال آن اگرچه بلاای طبیعی است، می‌توانیم به دیده فرصت هم به آن‌ها بنگریم و بهره ببریم تا ثابت کنیم که آرمان‌ها و دغدغه‌های ما از جنس امتی است، نه درون‌مرزی و داخلی. این چنین است که دشمنان هر چه برای تفرقه تلاش کنند، به بن‌بست می‌رسند. کمک به مردم افغانستان فقط دستگیری از آن‌هایی که در زلزله آسیب دیده‌اند، نیست، بلکه کمک به میلیون‌ها افغانستانی پراکنده در سراسر دنیاست. افغانستانی‌ها، مؤمن‌ترین، متعهدترین و پرکارترین نیروی انسانی در دنیا شناخته می‌شوند. آن‌ها اگرچه در سراسر دنیا اعم از آمریکا، اروپا و آسیا پراکنده‌اند، دربرابر سرزمین و مردم خود تعهد و دغدغه دارند و لذا وقتی همدلی دیگران با خود را می‌بینند، بی‌تردید این محبت را بی‌پاسخ نمی‌گذارند. این چنین است که در سایه احسان و مواسات در حق این همسایگان شریف و شرقی کشور، می‌توانیم آرمان وحدت را از قاب رؤیا بیرون بیاوریم و به آن رنگ واقعیت بزنیم. چرا که کمک به زلزله‌زدگان وظیفه شرعی همه مردم است



دستاوردهای مواسات اسلامی برای تاریخ

مواسات و همدلی به‌ویژه در سختی‌ها، از تأکیدهای دینی و از سنت‌های پیامبر^(ص) و آئمه اطهار^(ع) است و در آموزه‌های آن حضرات، جایگاهی مهم دارد. این موضوع به قدری مهم است که رسول خدا^(ص) آن را شرط مسلمانی دانسته و فرموده‌اند: «هرکه شب را به روز برساند و به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، از آنان نیست»، ایشان در حدیثی دیگر فرموده‌اند: «هرکه صدای کمک‌خواهی مردی را بشنود که فریاد می‌زند مسلمانان به دادم برسید، ولی جوابش را ندهد و به او کمک نکند، مسلمان نیست»، ایشان با همین دیدگاه و افق، حکومت اسلامی را در مدینه پایه نهادند و اگر نبود مواسات و همدلی انصار مدنی با مهاجران مکی، چه‌سا آن اتفاقات مبارک صدر اسلام رخ نمی‌داد و جامعه نوپای اسلامی شکل نمی‌گرفت و تمدن اسلامی در تاریخ، ریشه نمی‌دوانید.

مواسات و همدلی در سیره کلامی معصومان، تجلی و مصادیق بسیار دارد. پیامبر اکرم^(ص) در این‌باره می‌فرمایند: «مثل مؤمنان در پیوند و دوستی و محبت و رحمت به‌هم[و اهمیت دادن به سرنوشت یکدیگر]، مثل یک پیکر زنده است که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اجزای پیکر با آن، اظهار همدردی می‌کنند». در کلام نورانی امام‌رضا^(ع) نیز بر مواسات و همدلی تأکید ویژه شده است؛ چنان‌که فرموده‌اند: «آن‌که دیگران در زندگی او شریک باشند، بهترین زندگی و آن‌که دیگران در زندگی او شریک نباشند، بدترین زندگی را دارد». حضرت ثامن‌الحجج^(ع) همچنین درباره آثار مواسات می‌فرمایند: «انسان سخاوتمند به خدا نزدیک است، به بهشت نزدیک است، به مردم نزدیک است و از آتش دوزخ دور است و انسان بخیل از بهشت دور است، از مردم دور است و به دوزخ نزدیک».

عواقب پرهیز از مواسات

باتوجه‌به آنکه آئمه^(ع) سخن و توصیه‌ای بی‌دلیل و بدون منفعت برای امت مطرح نکرده‌اند، درمی‌یابیم که این توصیه‌ها و تأکید بر همدلی، علاوه‌بر مظلومان و مستضعفان، برای عاملان این عمل پسندیده نیز برکات بسیار به‌همراه دارد، چنان‌که برپایه روایات و سخنان اهل‌بیت^(ع)، مواسات و همدلی در ابعاد مادی و معنوی، موجب بقای محبت و پیوند برادری، برکت یافتن مال و افزایش روزی می‌شود و می‌توان اصلی‌ترین رهاورد مادی این عمل را از بین رفتن فقر دانست؛ چنان‌که حضرت باقرالعلوم^(ع) فرمودند: «اگر یاریگری می‌کردید، نیازمند نمی‌شدید». علاوه‌بر این، مواسات و دستگیری از محرومان و نیازمندان، آثار معنوی نیز دارد، چنان‌که شرایط تحقق دعا را فراهم می‌کند. به فرموده امام‌صادق^(ع)، مواسات انسان را مخاطب این آیات شریفه می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي»، ای نفس آرام‌یافته! خشنود و خداپسند به‌سوی پروردگارت بازگرد و درمیان بندگان من درآ و در بهشت من داخل شو(فجر، ۲۷-۳۰). همان‌طور که برخورداری از روحیه مواسات و اجرا کردن آن در عمل برکات دارد، پرهیز و بی‌توجهی به آن نیز عواقب سوئی را دامنگیر ما و جامعه می‌کند، آیه ۳۴ از سوره مبارکه توبه به یکی از این آثار سوء اشاره می‌کند و می‌فرماید: «... الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْأُثُوبَ وَالْأُيُوبَ لَا يُؤْتُواهُنَّ فِي شَيْءٍ... فَيُشْرِكُهُمْ بِعَذَابِ أَلِيمٍ...» کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می‌کنند و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، آن‌ها را به عذابی دردناک بشارت ده.

توجه به همسایگان؛ شرط ایمان

توصیه به مواسات و همدلی در آموزه‌های دینی، وقتی به همسایگان می‌رسیم، عمق و گستره بیشتری می‌یابد، چنان‌که قرآن کریم در آیه ۳۶ سوره مبارک نسا می‌فرماید: «وَالْجَارُ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارُ الْجُنُبِ، وَبِهَمْسَايَةِ زَدَدِكَ وَبِهَمْسَايَةِ دُورِ احْسَانِ كُنْ». همچنین آموزه‌های دینی مکتب مای‌توجهی به‌حال همسایگان را نکوهش می‌کنند. رفت‌وآمد، رسیدگی، احوال‌پرسی، یاری، عیادت، انفاق و صدقه و رفع نیاز و همدردی، جزو وظایفی است که دین برای ادای حق همسایگی برمی‌شمارد. امام‌باقر^(ع) می‌فرمایند: «از نشانه‌های پیروان ما، رسیدگی به همسایگان نیازمند و تهیدست و ید‌هکاران و یتیمان است».

نکته مهم آن است که در دین ما، مواسات و همدلی مرز نمی‌شناسد، چنان‌که در مکتب اهل‌بیت^(ع) نیز هرگز دیده نشده است نیازمند و آسیب‌دیده‌ای به‌دلیل تفاوت‌های قومی و نژادی و مذهبی رها شود، بلکه عکس این مسئله صادق است، چنان‌که در احکام دینی تصریح شده است در هنگام کمک به فقرا، از مذهب و دین آن‌ها نپرسید. امروز هم که با مسئله افغانستان و زلزله‌زدگان مسلمان این کشور مواجه هستیم، باید بدانیم که ما علاوه‌بر هم‌کیش بودن، با آن‌ها هم‌زبان و همسایه نیز هستیم که این اشتراکات، به مواسات و همدلی در حق آنان ضرورت بیشتری می‌بخشد، به‌ویژه آنکه عمل به سیره معصومان نیز است، همان‌طور که حضرت زهرا(ی مرضیه^(ص) در دعا‌های شبانه خود، ابتدا همسایگان و سپس خود و خانواده‌شان را در نظر داشتند و امیرمؤمنان^(ع) می‌فرمودند: «از [نشانه‌های] نیکو همسایه‌داری کردن، دلجویی[از] همسایه است، بنابراین ما نیز امروز وظیفه داریم از همسایگان افغانستانی

خود در این اوضاع بحرانی و زلزله، تفقد و دلجویی کنیم.

